

## تاریخ نویسی در افغانستان

در افغانستان قدیم که آنرا سرزمین اریانه<sup>۱</sup> مگرفتند ضبط وقایع تاریخی در بین سرودهای قدیم دینی آنوقت رواج داشت و هنگامیکه در حدود ۳۵۰۰ سال قبل مردم آریایی نژاد از باختر بطرف شرق و هند شمالی هجرت کردند، ایشان در سرودهای ویدی برخی وقایع تاریخی خود را حفظ کرده اند که ما آنرا منبع قدیم تاریخ افغانستان میدانیم، و برای مثال ذکر پکتهها<sup>۲</sup> (پشتون) و پادشاهان و رجال و اماکن قدیم افغانستان است که در شرح جنگ ده قبیله آریایی در مواقع متعدد جلد دوم ریگویدا<sup>۳</sup> آمده است. و همچنین در کتاب دیگر آریایان بخدی که اوستا نامدارد، در حدود ۱۰۰۰ق،م بسا اطلاعات گرانها در باره خاندانهای نخستین شاهي و مدنیت بخدی و احوال رجال و پهلوانان و اماکن و اقوام قدیم افغانستان موجود است.

اگر چه این دو کتاب قدیم آریایی ویدا و اوستا بغرض ضبط وقایع تاریخی بمیان نه آمده اند ولی در سرودهای آن طی مطالب دینی، برخی حوادث تاریخی هم موجود است، که هر یکی از آن برای تدوین تاریخ مدنیت و ادیان و بلاد و قبایل و رجال باستانی افغانستان منبع گرانهایی شده میتواند.

رسم ضبط وقایع در سرودها و کتب قدیم- ولوضمنی هم باشد- همواره دوام داشت و ما بینیم که در اکثر کتب آریایی هندی و افغانی ایرانی مانند پورانها<sup>۴</sup> مهابهارته<sup>۵</sup> و رمانیه<sup>۶</sup> (هندي) و ۳۱ نسا اوستا باشروح پهلوی آن "زند"<sup>۷</sup> مطالب معتناهایی از تاریخ موجود است و حتی در گرامر پانینی که آنرا "اشتا ادھیایا"<sup>۸</sup> یعنی هشت لکچر خوانند و در حدود ۳۰۰۰ق،م تالیف شده و این عالم از مردم کنار دریای سند (حدود اتک) بودهم برخی مطالب مهم تاریخی آمده است.

در بین مردم آریایی فلات ایران همواره ترتیب شاهنامه ها از روی روایات کهن رسم بود، که در زبان پهلوی آنرا خدای نمگ گفتندی، این افسانها از ظهور انسان اولین گیومرته<sup>۹</sup> تا ظهور زردشت بین مردمان آریایی موجود بوده، و آنرا یک سلسله وقایع حقیقی تاریخی می شمرده اند، که در کتاب اوستا هم صور مدون و مرتب آن نوشته شده، و اغلب آن تعلق دارد به سرزمین تاریخی آریا نه که مطابق ظهور دوره های تاریخی و اقتصادی حیات انسانی همدین جا آریایان از حیات کوچی گری بزندگان روستا نشینی و شهری رسیده و نخستین بار نظام سلطنتی را در بخدی تشکیل داده اند.

خدای نامه ها را در عربی سیرالملوک و بزبان دری شاهنامه خوانند، که گویا تاریخ شاهان و پهلوانان

قدیم آریایی بوده، و از روی روایات کهنی که سینه بسینه بوسیله موبدان (روحانیون) و دهقانان (نجباء) نقل شده، ترتیب و نگارش یافته بود، و این روایات و داستانهای باستانی اکثر بسرزمین های خراسان مانند بلخ، تخار، هرات سیستان، هلمند، رخد، غزنه، کابل تعلق داشت، و یک خدای نامه را از روی همین روایات قدیم یک نفر دهقان موسوم به "دانشور" در اوایل سالهای هجری تألیف کرده بود، که آنرا عبدالله بن مقفع در نیمه اول قرن دوم هجری بعربی بنام "سیرملوک الفرس" ترجمه کرد.

در راویان این خداینامه ها و کتب تاریخی چندین نفر خراسانی و مربوط بسرزمین و فرهنگ قدیم آریانه بوده اند، مانند منوچهر موبد خراسان و بهرام بن خورزاد<sup>۱</sup> که ابن مقفع در نامه تنس ازیشان نقل قول نماید. یا بهرام قروی زردشتی که خدای نامه اش مأخذ شاهنامه ابوعلی بلخی شاعر بود. در دوره اسلامی خراسانیان و مردم اراضی ملحقه آن بشمول تمام افغانستان در تربیت کتب مغازی و سیر و تاریخ عربی سهم کامل داشته اند. و خاندان برمکیان بلخی (وزرای دربار عباسی بغداد) بر اساس عادت خراسانی خود، همواره علمای تاریخ را پرورش کرده اند، مانند محمد بن عمرواقدی (۱۳۰-۲۰۷هـ) امام مغازی و سیر که بوسیله یحیی بن خالدبرمکی بحضور هارون خلیفه رسید. و همچنین محمد بن جهم برمکی منجم و شاعر و مؤرخ معروف (متوفی حدود ۲۱۸هـ - ۸۳۳م) که کتاب خودای نامه را بنام سیرالملوک در عربی ترجمه کرد.

ما بسا از علمای تاریخ عرب را می شناسیم که خراسانی بوده اند و یا در فرهنگ خراسان و اطراف آن پرورده شده اند: مانند محمد بن سائب کلبی (متوفی ۱۳۶هـ) و پسرش هشام کلبی (متوفی ۲۰۴هـ) که در کتب قدیم تاریخ عربی مانند طبری و مسعودی و غیره روایات بسیار تاریخی در باره خراسان و شاهان آن ازیشان نقل میشود.

ابومعشر نجیح سندی (متوفی ۱۷۰هـ) از قدیمتر مغازی نگاران است که موالی سند و این طرف خراسان بود، و هکذا احمد بن طاهر ملقب به این طیغور خراسانی (متوفی ۲۸۰هـ-۸۹۳م) که از سلاله ملوک خراسان بود، وی مؤلف تاریخ بغداد بزبان عربی ۴۸ جلد دیگر در تاریخ و ادب است که او را در جمله نخستین تاریخ نگاران سیاسی شمرده اند و ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی (۶۲۸هـ - ۸۹۹م-۳۴۸هـ-۹۵۹م) نویسنده دربار نوح بن نصر سامانی مؤلف تاریخ بخارا است که تا ۳۳۱هـ حوادث تاریخی را در آن کتاب بزبان عربی نوشته است.

سهم مردم دری زبان در تاریخ دوره اسلامی بحدیست که حتی نام علم تاریخ را هم از زبان دری گرفته و معرب ساخته اند، وطوریکه حمزه اصفهانی در تاریخ خود و البیرونی در آثار الباقیه گویند: در عصر حضرت عمر خلیفه دوم هرمنان نام ایرانی باو گفت: ما حسابی بنام "ماه روزه" یعنی حساب شهر و ایام داریم پس این کلمه را بصورت مؤرخ معرب کردند و از آن مصدري درباب تفعلیل ساختند=تاریخ.

داستانهای شاهنامه در خراسان شهرت داشت و نخستین شخصی که بعد از اسلام آنرا منظوم داشت مسعودی مروزی است که داستانهای قدیم را از کیومرث تا یزدجرد در مرکز خراسان، مرو شاهجان نظم کرد، و مطهر المقدس در سنه ۳۵۵ هـ در ترجمه تاریخ طبری آنرا شاهنامه بزرگ خوانده است.

بلخ مرکز بسیار مهم دیگر ثقافت خراسانی بود، و بقول البیرونی در آثار الباقیه: ابوعلی محمد بن احمد بلخی هم يك شاهنامه را نوشته بود، که در آن لقب انسان اول کیومرث را به تلفظ صحیح گرشاه (غرشاه پشتو=ملك الجبال) نوشته بود، در حالیکه این لقب را حمزه اصفهانی در تاریخ خود "کل شاه" آورده است.

در حدود ۳۳۰ هجری ابومنصور محمد بن عبدالرزاق بن عبدالله بن فرخ طوسی مرد کاردان و پرورده فرهنگ خراسانی در طوس والی بود، او يك شاهنامه منثور دري را در سنه ۳۴۶ هـ فراهم آورد، که مؤلفان آن ماخ پسر خراسان مرزبان هری، و یزدان داد پسر شاپور از سیستان و شاذان برزین او طوس و ماهوی خورشید پسر بهرام از شاپور بود که سه نفر آن خراسانیان دانا و دهقان زادگان زردشتی خراسانی بوده اند، و شاذان و ماهوی را فردوسی در شاهنامه خود هم نام برده است.

دیگر راوی خراسانی شاهنامه پیر مردی بنام "آزادسرو" بود، که در مرو پیش احمد بن سهل در حدود ۳۰۰ هجری زندگی داشت و نسب خود را به سام نریمان میرسانید، و فردوسی هم داستان مرگ رستم را از روایات کرد:

یکی پیر بدنامش "آزادسرو" که با احمد سهل بودی بمر و

کجا نامه خسروان داشتی تن و پیکر پهلوان داشتی

دیگر شخصی که پیش از فردوسی به نظم شاهنامه همت گماشت، يك جوان زردشتی بلخی پسر آرد فروشی بود، که ابومنصور محمد بن احمد دقیقی نامداشت، و او هزار بیت شاهنامه را ازاد داشتن گشتاسپ تا ظهور زردشت در حدود ۳۶۷ هجری منظوم داشت که بعد از القاسم فردوسی خراسانی کتاب معروف شاهنامه راهم بران اساس بساخت.

علاوه بر نوشتن شاهنامه‌های منظوم و منثور که منابع و کرد آورندگان آن اکثر خراسانیانند، کتب بسیار مهم تاریخ از آغاز قرن چهارم درین سرزمین نوشته شده اند، که از آنجمله مطهر بن طاهر مقدسی کتاب بدء الخلق و التاريخ را در بیان اخبار امم قدیم و ادیان و عقاید در سنه ۳۵۵ هجری ۹۶۶ م برای یکی از وزرای سامانی در شهر بست کنار قلمبند نوشت. و همچنین ابو علی محمد بن محمد بن عبدالله وزیر معروف شاهان سامانی که از بلعمان مرو بود، در حدود ۳۶۰ هجری کتاب معروف عربی تاریخ الامم و الملوك طبری را بزبان دري ترجمه و تهذیب کرد، که آنرا تألیف مستقل هم توان شمرد، و نیز یکنفر جوزجانی

گمنامي که او را فریغوني شمردہ اند، درسہ ۳۷۱ هجري کتاب نخستين جغرافياي دري (حدود العالم) را براي امير جوزجان ابوالحارث محمد بن احمد در جوزجان شمال افغانستان تأليف کرد، که در بسا مطالب تاريخي هم از آن سود توان برد، و کتب تاريخ بلخ از ابوالقاسم کعبي و محمد بن عقيل بلخي و مفاخر خراسان از ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن محمود بلخي کعبي (متوفا ۳۱۷ هجري) نیز از آثار تاريخي مؤلفان قدیم بلخ اند. و بعد از آن در عصر غزنويان کتب فراوان تاريخي بزبان دري و عربي در افغانستان نوشته اند، مانند آثار تاريخي ابوالريحان محمد بن احمد بن البيروني در حدود ۴۰۰ هجري (عربي) و تاريخي يميني ابونصر محمد بن عبدالجبار عتيبي بزبان عربي در حدود ۴۱۲ هجري و تاريخ نيشابور (عربي) از محمد بن عبدالله الحاکم نيشابوري متوفا ۴۰۵ هجري و تاريخ سيستان از مؤلف نامعلوم در حدود ۴۴۴ هجري (دري) و مقامات ابونصر مشکان ده جلد در حدود ۴۲۰ هجري (دري) و زين الاخبار ابوسعید عبدالحي بن ضحاک بن محمود گرديزي در حدود ۴۲۰ هجري (عربي) و مآثر محمودي از ابوبکر عبدالله بن احمد مشهور به امام قفال صغیر شافعي (متوفا ۳۱۷ هجري) و دولت نامه منظوم دري از ابولحسن علي بن جولوغ متخلص بفرخي سيستاني در حدود ۴۰۰ هجري و تاج الفتوح دري منظوم ابوالقاسم حسن بن احمد عنصري بلخي در حدود ۴۰۰ هجري و تاريخ آل سبکتگين در سي مجلد از ابولفضل محمد بن حسين بيهقي متوفا ۴۷۰ بزبان دري و کتاب الانساب و تاريخ مرو (عربي) از ابو سعيد عبدالکریم سمعاني متوفا ۵۶۱ هجري و تاريخ ابیور دونسا از محمد بن احمد ابیوردي متوفا ۵۷۰ هجري و مزیدالتاريخ (عربي) تأليف ابوالحسن محمد بن سليمان بيهقي در حدود ۴۳۰ هجري و تاريخ محمود وراق در حدود ۳۰۹ هجري و السيره المسعوديه (عربي) از شيخ ابویعلي بيهقي در حدود ۴۳۰ هجري و تاريخ محمود وراق در حدود ۴۰۹ هجري و تاريخ ملا محمد غزنوي در حدود ۴۲۰ هجري و طبقات الصوفيه خواجه عبدالله انصاري هروي متوفا ۴۸۱ هجري (دري) و طبقات الصوفيه عربي تأليف محمد بن حسين سلمی نيشابوري ۴۱۲ هجري و سيرالملوک نظام الملك وزير طوسي حدود ۴۸۵ هجري (دري).

در دوره غوريان هم کتابهاي مفيد تاريخي را دانشمندان افغانستان تأليف کرده اند:

مانند طبقات ناصري (دري) قاضي منهاج سراج جوزجاني ۶۸۵ هجري و آداب الحرب و الشجاعه (دري) تأليف محمد بن منصور مشهور به فخر مدبر در حدود ۶۰۵ هجري و تاريخ بيهق از علي بن قاسم بيهقي در حدود ۸۸۸ هجري (دري) و لباب الالباب و جوامع الحكايات محمد عوفي در حدود ۶۲۵ هجري (دري) و تاريخ خراسان از مؤلف نامعلوم که مرجع سيفي هروي در نوشتن تاريخ هرات بود (حدود ۶۰۰ هجري) و نسب نامه غريان از فخرالدين مبارکشاه غوري (متوفا ۶۰۲ هجري).

بعد از خروج جنگيز خان و حدود ۶۱۸ هجري اگرچه شهرهاي خراسان خراب شد و کتابخانه هاي بزرگ بلاد آن از بين رفت، ولي بقاياي حرکت علمي و تاريخ نويسي در خراسان باقي بود، و درسہ ۶۷۷ هجري

تاریخ فضایل بلخ ابوبکر بن عبدالله بزبان دری ترجمه شد، و هم چندین تاریخ در باره شهر هرات بزبان عربی تألیف شده بود که به اساس آن تاریخنامه سیفی هروی نوشته شد:

تاریخ هرات از ابواسحق احمد بن محمد بن یاسین الحداد (۳۴۳\_هجری ۹۵۴م).

تاریخ هرات از ابونصر عبدالرحمن بن عبدالجبار الفامی (۵۴۶-۴۷۲هـ ۱۱۵۱-۱۰۷۶م).

تاریخ نامه هرات از سیف بن محمد بن یعقوب هروی حدود ۷۲۰ هجری ۱۳۱۷ هجری بزبان دری.

در دوره غوریان هم کتابهای مفید تاریخی را دانشمندان تألیف کرده اند:

مانند طبقات ناصری (دری) قاضی منهاج سراج جوزجانی ۶۵۸ هجری و آداب الحرب و الشجاعة (دری) تألیف محمد بن منصور مشهور به فخر مدبر در حدود ۶۰۵ هجری و تاریخ بیهق از علی بن قاسم بیهقی در حدود ۸۸۸ هجری (دری) و لباب الالباب و جوامع الحکایات محمد عوفی در حدود ۶۲۵ هجری (دری) و تاریخ خراسان از مؤلف نامعلوم که مرجع سیفی هروی در نوشتن تاریخ هرات بود (حدود ۶۰۰ هجری) و نسب نامه غوریان از فخرالدین مبارکشاه غوری (متوفای ۶۰۲ هجری).

بعد از خروج چنگیزخان و حدود ۶۱۸ هجری اگر چه شهرهای خراسان خراب شد و کتابخانه های بزرگ بلاد آن از بین رفت، ولی بقایای حرکت علمی و تاریخ نویسی در خراسان باقی بود، و در سنه ۶۷۷ هجری تاریخ فضایل بلخ ابوبکر بن عبدالله بزبان دری ترجمه شد، و هم چنین تاریخ در باره شهر هرات بزبان عربی تألیف شده بود که براساس آن تاریخنامه سیفی هروی نوشته شد:

تاریخ هرات از ابواسحق احمد بن محمد بن یاسین الحدید (۳۴۳\_هجری ۹۵۴م).

تاریخ هرات ابونصر عبدالرحمن بن عبدالجبار الفامی (۵۴۶\_۴۷۲هـ ۱۱۵۱-۱۰۷۶م).

تاریخ هرات تألیف ابو روح عیسی (۵۴۴ هـ ۱۱۹۵م).

کرت نامه ربیعی پوشنگی (منظوم دری) در شرح احوال شاهان آل کرت هرات ۷۲۰ هـ ۱۳۱۷م، بزبان دری.

بعد ازین دوره تیموریان هرات در مملکت ما بهترین عصر ترقی رسامی و هنر و تاریخ نویسی است که درینوقت فصیح احمد بن جلال الدین محمد خوافی هروی کتاب مجمل فصیحی را در حدود ۸۴۵ هـ ۱۴۴۱م براساس ضبط وقایع بقید سنوات هجری نوشت. و همچنین یکی از رجال دربار تیموریان هرات کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی هروی شیخ خانقاه و مرد سیاسی هرات کتاب مطلع سعدین را در ۸۷۵ هـ تکمیل کرد. وخواجه نورالدین لطف الله مشهور به حافظ ابرو مؤرخ و جغرافیا نگار معروف زبده التواریخ را در حدود

۸۲۲ هـ تالیف کرد و معین الدین محمد اسفزاری کتاب روضات الجناه فی اوصاف مدینه هرات را در جغرافیا و تاریخ هرات در سنه ۸۹۸ هـ نوشت.

و هم میرخواند محمد بن خاوندشاه هروی کتاب ضخیم روضه الصفا را مشتمل ب تاریخ عمومی جهان در شش جلد در حدود ۹۰۰ هـ نگاشت، که بعد ازو غیاث الدین خواند میر هروی نویسنده کتاب معروف حبیب السیر در چهار جلد و خلاصه الاخبار و بسا کتب دیگر تاریخی، در هرات و هند به نوشتن تاریخ پرداخت، و حبیب السیر خود را در سنه ۹۲۹ هـ ۱۵۲۳ م ختم کرد. و نیز دولت‌شاه بن بختی شاه سمرقندی تذکره الشعراء خود را در ۸۹۲ هـ ۱۴۸۷ و امیر علی شیرنویایی و زیر دانشمند هرات تذکره مجالس النفایس و دیگر آثار ادبی و تاریخی خود را در حدود ۹۰۰ هـ بوجود آورد، که حسین واعظ کاشفی هروی هم در حدود ۹۰۰ هـ روضه الشهداء و دیگر آثار خود را نوشت، و پسرش علی هم رشحات عین الحیات را در ۹۰۹ هـ تکمیل کرد. و در آثار مولانا عبدالرحمن جامی (حدود ۸۸۳ هـ) نیز قسمت تاریخی مانند نفحات الانس موجود است. و روضه الاحباب از عطاءالله بن فضل الله هروی ۸۸۸ هـ و معارج النبوه از معین مسکین هراتی فراهی حدود ۹۰۰ هـ در سیر نبوی در هرات تالیف شده اند. و کتاب بدایع الوقایع از زین الدین محمود واصفی مؤلف هراتیست که در حدود ۹۳۰ هـ مشتمل بر حکایات عصر خویش نوشته است.

در همین دوره بعد از ۶۰۰ هـ برخی کتب پشتو هم در موضوع تاریخ تالیف شده اند که از آن جمله تذکره الاولیاء افغان تالیف سلیمان بن باریک خان از عشیره ماکوی ارغسان شرق قندهار است در ۶۱۲ هـ که فقط هفت صفحه این کتاب بدست آمده و باقی مفقود است.

همچنین تاریخ سوری تالیف محمد بن علی بستی ۶۵۰ هـ و اخبار اللودی از احمد بن سعید اللودی ۶۸۶ هـ در احوال ملوک غور و لودیان هند و لرغونی پشگتانه (افغانان قدیم) بزبان پشتو تالیف شیخ کتگه<sup>۱۱</sup> بن شیخ یوسف بن شیخ متی ۷۵۰ هـ در احوال رجال معروف پشتون و دفتر شیخ ملی<sup>۱۲</sup> بن یوسف بزبان پشتو در حدود ۸۳۰ هـ است که آنرا کجوخان رانیزی یوسفزی در حدود ۹۰۰ هـ در وادی مردان پشاور تکمیل کرده است و کتابهای دیگر عبارتند از: تذکره غرغشت تالیف بابو جان کاکو بزبان پشتو ۹۰۰ هـ و تذکره الاولیاء افغان تالیف شیخ قاسم بن قدم ۹۹۰ هـ و بستان الاولیاء از شیخ بوستان بویخ ۹۹۷ هـ حالنامه و صراط التوحید (دری) بایزید پیروشان ۹۸۷ هـ و مخزن اسلام (پشتو) و تذکره الابرار و الاشرار (دری) آخوند درویزه ننگرهاری حدود ۱۰۰۰ هـ و بیاض خوشال خان ختک در احوال خودش حدود ۱۰۹۰ هـ (پشتو) تاریخ افغانی و اولیای افغان (دری) تالیف امام الدین متی زبی حدود ۱۰۵۰ هـ و غرغشت نامه منظوم پشتو از دوست محمد بن بابو خان ۹۲۹ هـ و کلید کامرانی از کامران خان سدوزی ۱۰۳۸ هـ (پشتو) و مخزن افغانی (دری) از نعمت الله هروی ۱۰۲۰ هـ و سلوک الغزات (پشتو) از ملامست زمند ۱۰۴۰ هـ و مجموعه تاریخ افغانان از پیر محمد پلوسی (حدود ۱۰۲۰ هـ) و بحر الانساب در انساب افغانان از شیخ چالاک حدود ۱۰۷۷ هـ و تاریخ معصومی در احوال سند از

سید معصوم نامی قندهاری ثم بکهري در سنه ۱۰۰۹هـ.

و قلب السیر (پشتو) از سکندر خان بن خوشال خان ختک حدود ۱۱۰۰هـ در سیر نبوي و تاریخ مرصع (پشتو) افضل خان ختک بن اشرف خان بن خوشال خان حدود ۱۱۲۵هـ در تاریخ افغانان و پته خزانه از محمد هوتک در شرح احوال شعراي پشتو در ۱۱۴۲هـ.

محمود نامه منظوم پشتو در شرح فتوح شاه محمود هوتک در ایران از ریدي خان مهمند بن غياث خان در ۱۱۳۶هـ و تاریخ میرویس بعربي از مؤلف نامعلوم در حدود ۱۱۲۵هـ. نسب نامه افغانان بزبان پشتو از میا عمر خگوکني معاصر احمد شاه بابا در حدود ۱۱۸۰هـ .

رساله اکبر خان که در تاریخ افغانان حدود ۱۱۰۰هـ .

تحفه صالح از الله یار الکوزي حدود ۱۰۰۰هـ (پشتو).

بیاض محمد رسول هوتک در احوال افغانان حدود ۱۱۲۰هـ (پشتو).

نافع المسلمین از ملا نور محمد غلجي قندهاري در احوال شاه محمود هوتک (پشتو) در حدود ۱۱۴۰هـ .

شاهنامه احمدشاهي منظوم پشتو از حافظ مرغزي شمال پشاور حدود ۱۱۷۶هـ .

ترجمه تاریخ اعثم کوفي از محمد مظفر بن اسماعیل (پشتو) ۱۱۲۶هـ .

تاریخ احمد شاه بابا از محمود المنشي حدود ۱۱۶۶هـ (دري).

نادر نامه منظوم دري در ۱۳ هزار بیت که بنام احمد شاه بابا در حدود ۱۱۷۰هـ از طرف شاعر نامعلوم خراساني منظوم گردیده.

ابجد التواریخ (عربي) از محقق قندهاري مولوي حبيب الله ۱۲۵۲هـ در تاریخ اسلام.

اکبر نامه منظوم دري در شرح جنگ اول افغان و انگلیس از حمید کشميري ۱۲۶۰هـ.

واقعات شاه شجاع سدوزيبي بقلم خود او و محمد حسین هراتي حدود ۱۲۵۰هـ (دري).

تذکره برناباد از میرزا رضا بن محمد کاظم برنابادي هروي حدود ۱۲۵۰هـ (دري).

تذکره شعرا "آتش فشان" تالیف احمد قلي بن سکندر هروي حدود ۱۲۹۰هـ (دري).

جنگ نامه هرات در حدود ۱۲۵۰هـ از عزیز خان رنگاخیل (پشتو).

ترجمه مدوجزر اسلام از غلام محمد پوپلزايي پشاور (پشتو) ۱۳۱۰هـ .

- ترجمه تاریخ افغانستان از متن انگلیسی ملیسون از منشیاحمدجان پشاور حدود ۱۳۱۰هـ (پشتو).
- تحفه الاولیای از میر احمدشاه رضوانی حدود ۱۳۱۰هـ (دری). عجایب الاخبار(دری) از مسعود گل بن قاضی عبدالرحمن پشاور در ۱۲۲۶هـ. یاقوت السیر (پشتو) منظوم ملا عبدالحق بن عبدالغفور خروتی قندهاری حدود ۱۲۵۰هـ .
- تاریخ احمد از عبدالکریم (دری) حدود ۱۲۵۰هـ.
- تاج التواریخ امیر عبدالرحمن خان که متن انگلیسی آن بوسیله سلطان محمد منشی بانگلیسی در لندن در سنه ۱۹۰۰م طبع شده و از روی آن در دو جلد بزبان دری از طرف غلام مرتضی خان و میرزا عبدالرحمن و میرزا حسین علی شیرازی در سنه ۱۳۱۹هـ ترجمه شده.
- تتمه البیان فیالتاریخ افغان از سید جمال الدین افغانی ۱۲۵۶هـ (عربی).
- تازه نوای معارک از میرزا عطا محمد شکارپوری ۱۲۷۱هـ (دری). گلشن امارت از نور محمد نوری قندهاری ۱۲۸۷هـ (دری).
- تاریخ سلطانی از سلطان محمدخان بارکزی قندهاری در حدود ۱۲۹۸هـ (دری).
- پادشاهان متأخر افغانستان از میرزا یعقوب علی کابلی در حدود ۱۳۲۵هـ (دری).
- جنگ نامه غلامی کوهستانی(منظوم دری) حدود ۱۲۵۹هـ (دری).
- ترک ناپلیون (دری) حدود ۱۳۰۰هـ.
- انساب الاخبار از محمد حسن بن عبدالرحمن مجددی در تاریخ و انساب خاندان مجددی حدود ۱۳۰۰ش (دری).
- سراج التواریخ (دری) از فیض محمد کاتب هزاره که بامر امیر حبیب الله خان در سه جلد نوشته و طبع شده، حدود ۱۳۳۵هـ مشتمل بر اوضاع افغانستان از احمد شاه تا امیر عبدالرحمن خان.
- تحفه الحیب از فیض محمد کاتب هزاره (دری) در تاریخ افغانستان از احمد شاه تا امیر عبدالرحمن خان ۱۳۳۵هـ.
- تاریخ حکماء از فیض محمد کاتب حدود ۱۳۰۲ش (دری).
- سراج السیر از مولوی عبدالرب خان قندهاری در حدود ۱۳۳۳هـ (دری).
- تاریخ افغانستان برای صنوف (۵) ابتدایی از سید هاشم ۱۳۰۲ش (دری).



بحران و نجات از غلام محي الدين انيس ۱۳۱۰ش در شرح سقوط سلطنت مرحوم امان الله خان و اغتشاش ۱۳۰۸ و جلوس اعليحضرت محمد نادر شاه افغان (دري).

نادر افغان از برهان الدين كشككي مشتمل بر احوال زندگاني اعليحضرت محمد نادر شاه افغان تا جلوس ۱۳۰۹ش (دري).

افغانستان و نگاهي بتاريخ آن از مير غلام محمدغبار، ۱۳۱۰-۱۳۱۱ش (دري).

تاريخ افغانستان از فيض محمد زكريا حدود ۱۳۲۰ش (دري).

## تأسيس انجمن تاريخ

در سنه ۱۹۳۱ م ۱۳۱۰ ش انجمن ادبي كابل براي تمرکز دادن امور تاريخي و ادبي در كابل تاسيس شد كه مدير آن محمد انور بسمل بود، اين انجمن مجله ماهوار علمي اجتماعي، تاريخي را بنام "كابل" نشر كرد، و شماره اول آن به نگارندگي سرورگويي بتاريخ ۱۵ جوزا ۱۳۱۰ش ۵ جون ۱۹۳۱۰ برآمد، كه در آن ميرغلام محمد غبار و محمد كريم نزيهي و قاري عبدالله و سرورگويي و احمدعلي دراني و يعقوب حسن و حافظ نور محمد و احمد علي كهزاد و غلام جيلاني اعظمي و عبدالله افغان نويس و عبدالحق حبيبي و امين الله زمريالي و عبدالرحمن پژواك و محمد عثمان صدقي و غلام جيلاني جلالی و علي احمد نعيبي و عبدالروف بينوا و سيد قاسم رشتيا و محمد قدیر تره كي و شاه عبدالله بدخشي و احمدالله كريمي و خليل الله خليلي و غلام سرور جويا و محمد صديق طرزي و عبدالهادي داوي و ديگران مضامين تحقيقي تاريخي را در باره موضوع هاي مختلف تاريخ افغانستان بزبانهاي دري و پتسو مينوشتنند.

انجمن ادبي اسلوب تاريخ نويسي جديد را پرورانيد و در طرز نوشتن آن موافق موازين عصري تحولي را وارد نمود، و هم برخي مضامين و كتب تاريخي را هم از السنه خارجي ترجمه كردند، و هيأت هاي علمي حفريات فرانسه هم در افغانستان آثار زيادي را كشف كرد و كتابهاي مفيدي در فرانسوي و انگلسي و ايتالوي برين موضوعهاي تاريخي افغاني نوشتند، كه احمد علي كهزاد برخي از ين كتابها را از فرانسوي به دري ترجمه كرد. او اولاًتر جمان فرانسوي و بعد از آن چند سال مدير شعبه تاريخ انجمن ادبي بود.

در سنه ۱۳۱۶ش پتسو تولنه (اكاديمي پتسو) در كابل تاسيس و انجمن ادبي در آن منحل گرديد، و بنا برين مجله كابل بزبان پتسو انتشار گرفت و انجمن تاريخ در سنه ۱۳۲۱ش در رياست مستقل مطبوعات تاسيس يافت، كه مدير عمومي آن هم شاغلي كهزاد بود، و اعضاي آن علي احمد نعيبي و محمد نبي كهزاد و غلام جيلاني آريزوي و علي اصغر شعاع و عبدالباقي لطيفي و محمد ابراهيم خليل بودند. از طرف اين انجمن

مجله ماهوار آریانا تأسیس شد که شماره اول آن بتاريخ اول دلو ۱۳۲۱ ش برآمد و این مجله تاکنون نشراتی در باره تاریخ افغانستان و مسایل تاریخ زبان و جغرافیای تاریخی و احوال مشاهیر رجال و شعراء و صنایع مستظرفه و مسکوکات و باستان شناسی و کتابشناسی و فولکلور افغانستان دارد. که از شماره ۸ سال دوم اول سنبله ۱۳۲۳ مهتم آن شاغلی احمد نعیمی است، و هم از شماره ۹ سال ۴ اول میزان ۱۳۲۵ ب حیث مدیر مسؤول مجله آریانا بوده. تا که در شماره هفتم سال هفتم اول اسد ۱۳۲۸ ش مدیر مسؤول آن شاغلی محمد ابراهیم خلیل مقرر گردید، و شاغلی محمد شفیع پروانه (رهذر) و مدتی هم شاغلی احمد علی محبی وظیفه اهتمام آنرا داشتند و بعد از آن تاکنون چنین دوام یافته است:

از شماره ۱۳۳۲ ش مرحوم محمد حیدر ژوبل مدیر مسؤول.

از شماره ۶ سال دوازدهم سرطان ۱۳۳۳ ش شاغلی عتیق الله معروف مدیر مسؤول.

از شماره ۷ سال ۱۴ ماه اسد ۱۳۳۵ ش مهتم احمد علی محبی.

از شماره ۱۰ سال اول عقرب ۱۳۳۵ ش شاغلی محمد سرور همایون مدیر مسؤول و شاغلی سلطان علی رضوی مهتم آن.

در اول سنبله ۱۳۴۲ ش سر از شماره ۸ سال ۲۱ شاغلی محمود یعقوب واحدی مدیر مسؤول و شاغلی امین الله ستانکزی و بعد از آن حبیب الله رفیع مهتم .

از شماره ۹ سال ۲۱ میزان ۱۳۴۳ ش مدیر شاغلی علی رضوی و مهتم حبیب الله رفیع.

اکنون مدیر مسؤول آن شاغلی محمد انورنیر هروی است.

### مجله افغانستان:

برای توسعه فعالیت‌های خود، انجمن تاریخ نشر یک مجله سه ماهه را بزبانهای خارجی بنام "افغانستان" نیز سردست گرفت، در حقیقت، هدف عمده نشر این مجله آن بوده است تا مطالب مربوط به امور تاریخی و کلتوری کشور را که بقلم دانشمندان و محققان داخلی و خارجی نوشته میشود بزبانهای انگلیسی و فرانسوی نشر نماید و بدینوسیله کلتور، تاریخ و فرهنگ افغانستان را به شکل علمی و اکادمیک آن بجهان معرفی نماید.

باین اساس در سال ۱۹۴۶م این مجله به نشر آغاز کرد.

نخستین مدیر مجله افغانستان شاغلی محمد نبی کهزاد بود، وی از ۱۹۴۶-۱۹۶۲ بحیث مدیر مسؤول ایفای

وظیفه نموده است. از شماره چارم سال هفدهم افغانستان مدیر مسؤل نداشته ولی شاعلی محمد قاسم هاشمی بحیث معاون مجله مصروف کار بود و این امر تا شماره ۳ سال ۱۸ مجله ادامه یافت تا آنکه از آغاز شماره چارم سال ۱۸ شاعلی امین الله ستانکزی بحیث معاون کار می‌کرد و شماره اول سال ۱۹ را هم کار کرد ولی بعداً بنام مدیر کدام شخص جلب نظر نمی‌کند و شاید هم غالباً ریاست انجمن خود کارهای آنرا انجام می‌داد. ب هر حال مجله افغانستان بانشر شماره چار سال ۱۹ در ۱۹۶۴ از نشر بازمانده و برای دونیم سال نشرات آن متوقف بود تا آنکه از سنبله ۱۳۴۶ شاعلی محمد کاظم آهنگ دارای تحصیلات در ژورنالیزم بحیث مدیر مجله افغانستان تعیین گردید. و تاهنوز هم این کار را پیش می برد.

## رؤسای انجمن تاریخ

۱- شاعلی احمدعلی کهزاد از آغاز تاسیس شعبه تاریخ در انجمن ادبی از حدود ۱۳۱۰ ش مدیر این شعبه وموزه کابل بود، و چون در سنه ۱۳۲۱ ش انجمن تاریخ تاسیس شد، او رییس موزه کابل و این انجمن شد، تا که در سنه ۱۳۴۰ ش به مشاوری وزارت معارف تبدیل گردید.

شاعلی کهزاد در قسمت تاریخ و باستان شناسی دوره قبل از اسلام افغانستان و قرون معاصر مطالعات فراوانی دارند، و سه زبان اروپایی فرانسوی، انگلیسی، ایتالوی را میدانند، و از پیش قدمان نهضت تاریخ نگاری جدید افغانستان اند، که در آن در حدود (۲۲) جلد کتاب و رساله و هم مقالات فراوانی را در جراید ومجلات داخلی وخارجی نوشته اند.

۲- از ماه ثور ۱۳۴۰ ش شاعلی داکتر عبدالرحیم ضیایی مدیر سابق موزه کابل بحیث رئیس انجمن تاریخ و موزه کابل مقرر گردید و او از زبان فرانسوی ترجمه های خوبی دارد، و سند دکتری خود را در شق تاریخ از پوهنتونهای فرانسه بدست آورده است.

۳- چون شاعلی دکتور ضیایی در سنه ۱۳۴۵ ش به وزارت عدلیه تبدیل شد، بنابراین به تصویب نمبر ۲۷۲۱ مورخ ۲۳ عقرب ۱۳۴۵ مجلس عالی وزراء و فرمان مبارک حضور شاهانه نمبر ۸۴۰ بر ۲۸۹۲۲-۲۵ عقرب ۱۳۴۵ پوهاند عبدالحي حیبی رئیس اسبق فاکولته ادبیات و پشتوتولنه و آمر شعبه پشتوی فاکولته ادبیات، با حفظ مقام استادی پوهنتون کابل، بحیث رئیس انجمن تاریخ مقرر شدند، که تاکنون این وظیفه دوام دارد. وی مؤلف ۶۴ جلد کتب تاریخی و ادبی بزبان های پشتو، دری اردو و عربیست که از آن جمله ۵۴ جلد آن در افغانستان، پاکستان، ایران، مصر طبع شده است، و دارای نشان درجه دوم معارف از حضور مبارک پادشاه معظم افغانستان می باشد. عدد مقالات تاریخی، ادبی، اجتماعی او بزبان پشتو، دری تا ۵۰۰ مقاله میرسد که در جراید داخلی و خارجی نشر شده است.

## نشرات انجمن تاریخ

علاوه بر دو مجله فوق انجمن تاریخ کتب تاریخی افغانستان را نیز در مدت (۲۷) سال طبع و نشر نموده است که عبارتند از متون تاریخی قدیمی که طبع نشده بودند و نسخه های خطی آن بدست آمده و طبع شد. دوم کتب تاریخ و ادب افغانستان که از طرف اعضای انجمن تاریخ یا مؤلفان دیگر افغانی تألیف گردیده، و یا برخی کتابها از السنه خارجی ترجمه شده است و عدد آن تا ۱۳۴۷ش به ۸۶ جلد میرسد و بدو زبان دری و پشتو انتشار یافته اند. بدین تفصیل:

- ۱- بامیان ترجمه احمد علی کهزاد در ۸۷ صفحه ۱۳۱۵ش.
- ۲- آثار عتیقه کوتل خیرخانه از موسیوهاکن ۵۱ صفحه ۱۳۱۶ش ترجمه کهزاد.
- ۳- آبدات نفیسه هرات از سرورگویا ۳۶ صفحه ۱۳۱۶ش.
- ۴- احمد شاه بابا از میرغلام محمد غبار ۳۵۲ صفحه ۱۳۲۲ش ۱۹۴۴م.
- ۵- بگرام از احمد علی کهزاد ۱۸ صفحه ۱۳۱۹ش.
- ۶- مسکوکات عصر اسلام از احمد علی کهزاد ۲۰ صفحه ۱۳۱۹ش.
- ۷- آریانا از احمد علی کهزاد ۱۴۸ صفحه ۱۳۲۰ش.
- ۸- جلد اول تاریخ افغانستان از احمد علی کهزاد و محمد عثمان صدقی ۴۹۵ صفحه ۱۳۲۲ش.
- ۹- جلد دوم تاریخ افغانستان از احمد علی کهزاد ۵۹۸ صفحه ۱۳۲۵ش.
- ۱۰- تاریخ افغانستان جلد سوم از میرغلام محمد غبار و علی احمد نعیمی ۱۵۰ صفحه ۱۳۲۶ش.
- ۱۱- کنشکا از احمد علی کهزاد ۱۳۴ صفحه ۱۳۲۵ش.
- ۱۲- خراسان از میر غلام محمد غبار ۶۶ صفحه ۱۳۲۶ش.
- ۱۳- افغانستان بیک نگاه اجمالی ۱۳۶ صفحه از عبدالباقي لطيفي ۱۳۲۶ش.
- ۱۴- صورتگران و خوشنویسان هرات از علی احمد نعیمی ۱۴۲ صفحه ۱۳۲۶ش.
- ۱۵- اسکندر در افغانستان از احمد علی کهزاد ۳۱ صفحه ۱۹۴۶م (انگلیسی).
- ۱۶- نی نواز از ضیاء قاری زاده.

- ۱۷- افغانستان در قرن نزدهم از سید قاسم رشتیا ۲۵۸ صفحه ۱۳۲۹ ش (طبع اول).
- ۱۸- اکبرنامه منظوم حمید کشمیری ۲۴۶ صفحه ۱۳۳۰ ش.
- ۱۹- نوای معارک از میر عطا محمد شکارپوری ۲۲۹ صفحه ۱۳۳۱ ش.
- ۲۰- در زوایای تاریخ از احمد علی کهزاد ۱۴۸ صفحه ۱۳۳۱ ش.
- ۲۱- پرده نشینان سخنگوی از ماگه رحمانی ۹۴ صفحه ۱۳۳۱ ش.
- ۲۲- رجال و رویدادهای تاریخی جلد اول از احمد علی کهزاد ۱۴۱ صفحه ۱۳۳۱ ش.
- ۲۳- رجال و رویدادهای تاریخی جلد دوم از احمد علی کهزاد ۱۷۸ صفحه ۱۳۳۶ ش.
- ۲۴- لشکرگاه از احمد علی کهزاد ۱۴۱ صفحه ۱۳۳۲ ش.
- ۲۵- تیمورشاه درانی از عزیزالدین پوپلزایی ۲۵۷ صفحه ۱۳۳۳ ش طبع اول.
- ۲۶- سلطنت غزنویان از استاد خلیلی ۳۷۱ صفحه ۱۳۳۳ ش.
- ۲۷- عروج بارکزایی ها ترجمه عبدالرحمن پژواک و محمد عثمان صدقی ۱۸۳ صفحه ۱۳۳۳ ش.
- ۲۸- واقعات شاه شجاع از شاه شجاع و محمد حسین هراتی ۱۶۲ صفحه ۱۳۳۳ ش.
- ۲۹- منتخبات اشعار استاد خلیلی ۸۳ صفحه ۱۳۳۳ ش.
- ۳۰- سرخ کوتل از احمد علی کهزاد ۲۱ صفحه ۱۳۳۳ ش.
- ۳۱- جوان فدایی از عبدالجلیل پروانی ۴۰ صفحه ۱۳۳۳ ش.
- ۳۲- فیض قدس از استاد خلیلی ۱۰۲ صفحه ۱۳۳۳ ش.
- ۳۳- سامانیان از احمد علی محبی ۱۱۴ صفحه ۱۳۳۴ ش.
- ۳۴- برگهای خزانی از استاد خلیلی ۶۲ صفحه ۱۳۳۴ ش.
- ۳۵- رهنمای بامیان (دری) از احمد علی کهزاد ۵۰ صفحه ۱۳۳۴ ش.
- ۳۶- رهنمای بامیان (انگلیسی) ۱۲ صفحه ۱۳۳۴ ش.
- ۳۷- د افغانستان پخوانی تاریخ لومړي جلد د محمد یونس مراد ترجمه ۵۳۵ صفحه ۱۳۳۴ ش (پشتو).
- ۳۸- د افغانستان پخوانی تاریخ دوهم جلد د محمد یونس مراد ترجمه ۶۱۱ صفحه ۱۳۳۹ ش (پشتو).

- ۳۹- از سروبي تا اسمار از احمدعلي كهزاد ۲۷ صفحه ۱۳۳۴ ش.
- ۴۰- پادشاهان متأخر افغانستان از ميرزا يعقوب علي (جلداول) ۲۴۶ صفحه ۱۳۳۴ ش.
- ۴۱- پادشاهان متأخر افغانستان از ميرزا يعقوب علي (جلد دوم) ۱۹۶ صفحه ۱۳۳۶ ش.
- ۴۲- صفاريان از مير محمد صديق فرهنگ ۴۰ صفحه ۱۳۳۴ ش.
- ۴۳- رهنماي افغانستان (انگليسي) از پروفيسر محمد علي ۱۳۸ صفحه ۱۹۵۵ م.
- ۴۴- گلشن امارت از نور محمد نوري قندهاري ۱۸۷ صفحه ۱۳۳۵ ش.
- ۴۵- ميرزا عبدالرحيم رحيمي از عبدالله ۶۲ صفحه ۱۳۳۵ ش.
- ۴۶- هوتكي ها از عبدالروف بينوا ۱۷۷ صفحه ۱۳۳۵ ش.
- ۴۷- يكمرد بزرگ از محمد ابراهيم خليل ۴۷ صفحه ۱۳۳۵ ش.
- ۴۸- خواجه عبدالله انصاري از سيرژ دوبور كوي ۱۶ صفحه ۱۳۳۵ ش.
- ۴۹- آريانا يا افغانستان قديم به انگليسي از احمدعلي كهزاد ۱۱۷ صفحه ۱۳۳۶ ش.
- ۵۰- تاريخ مختصر افغانستان به انگليسي از پروفيسر محمد علي ۲۷ صفحه ۱۳۳۶ ش.
- ۵۱- جنگ نامه از محمد غلام غلامي كوهستاني ۱۵۲ صفحه ۱۳۲۶ ش.
- ۵۲- تاريخ افغانستان جلد سوم از غبار، نعيمى، فرهنگ، محبي ۵۰۰ صفحه ۱۳۳۶ ش.
- ۵۳- افغانستان در قرن نهم طبع دوم از سيد قاسم رشتيا ۶۶۹ صفحه ۱۳۳۶ ش.
- ۵۴- بالا حصار كابل جلد اول از كهزاد ۳۱۶ صفحه ۱۳۳۷ ش.
- ۵۵- بالا حصار كابل جلد دوم از كهزاد ۴۴۰ صفحه ۱۳۴۰ ش.
- ۵۶- نقاط قابل سياحت افغانستان (فرنسوي) از محمد نبي كهزاد ۲۰ صفحه ۱۳۳۷ ش.
- ۵۷- دره الزمان از عزيزالدين پوپلزايي ۴۷۰ صفحه ۱۳۳۷ ش.
- ۵۸- استخراج تاريخ در نظم از محمد ابراهيم خليل ۱۱۱ صفحه ۱۳۳۷ ش.
- ۵۹- باميان ترجمه كهزاد ۴۴ صفحه ۱۳۳۷ ش.
- ۶۰- در زواياي تاريخ معاصر افغانستان (انگليسي) از اقبال علي شاه ۱۴۴ صفحه، ۱۳۳۷ ش.

- ۶۱- په افغانستان کښې د اسلام خپریدل او د عربو نفوذ، میر غلام محمد غبار ۸۹ صفحه ۱۳۳۸ ش (پشتو).
- ۶۲- جایگاه تلاقي فرهنگ ها در تاريخ از تاین بی ۹ صفحه ۱۹۶۰ م.
- ۶۳- مزارات شهر کابل از محمد ابراهیم خلیل ۲۶۸ صفحه ۱۳۳۹ ش.
- ۶۴- حفريات سرخ کوتل (فرانسوي) از دانیل شلومبرژی ۲۲ صفحه ۱۹۶۰ م.
- ۶۴- منار جام (فرانسوي) از شارل کیفر ۶۸ صفحه ۱۹۶۰ م.
- ۶۶- طبقات الصوفیه عبدالله انصاري هروي ترتیب عبدالحي حبيبي ۷۳۸ صفحه ۱۳۴۱ ش.
- ۶۷- پشتو و لویکان غزنه از عبدالحي حبيبي ۴۰۰ صفحه ۱۳۴۱ ش.
- ۶۸- افغانستان در عصر کورگانیان هند از عبدالحي حبيبي ۴۰۰ صفحه ۱۳۴۱ ش.
- ۶۹- نینواز طبع دوم ۱۸ صفحه.
- ۷۰- غوریان و سلاله بزرگ ملي از شارل کیف (فرانسوي) ۵۰ صفحه ۱۹۶۲ م.
- ۷۱- افغانستان په نونسمه پيړي کښې در مراد ترجمه ۴۹۰ مخه ۱۳۴۲ ش (پشتو).
- ۷۲- مادر زبان دري (تحليل کتبه سرخ کوتل) از عبدالحي حبيبي ۱۴۰ صفحه ۱۳۴۲ ش.
- ۷۳- طبقات ناصري جلد اول و دوم ۱۰۰۸ صفحه تالیف منهاج سراج جوزجاني تحشیه و تعليق عبدالحي حبيبي ۱۳۴۲ ش.
- ۷۴- افغانستان بعد از اسلام جلد اول از عبدالحي حبيبي ۱۰۶۰ صفحه ۱۳۴۵ ش.
- ۷۵- هنر خط در افغانستان از عزیزالدین پوپلزایی ۲۱۹ صفحه ۱۳۴۲ ش.
- ۷۶- هوتکیان (پشتو) از عبدالروف بینوا ۱۶۷ صفحه ۱۳۴۵ ش.
- ۷۷- غوریان از عتیق الله پژواک ۳۳۲ صفحه ۱۳۴۵ ش.
- ۷۸- صوفیان و ملامتیان و جوانمردان ترجمه علي رضوي ۱۰۴ صفحه ۱۳۴۵ ش.
- ۷۹- افغانها در هند از میر حسین شاه ۱۵۰ صفحه ۱۳۴۵ ش.
- ۸۰- امیر علي شیرنوايي بکوشش محمد یعقوب واحدي ۱۷۸ صفحه ۱۳۴۶ ش.
- ۸۱- ریاض الالواح از شیخ محمد رضا هروي ۲۱۹ صفحه ۱۳۴۶ ش.

۸۲- نامه احمدشاه بابا تحشیه و تعلیق غلام جیلانی جلالی ۱۵۱ صفحه ۱۳۴۶ ش.

۸۳- تاریخ خرقة شریفه از عزیزالدین ۸۹ صفحه ۱۳۴۶ ش.

۸۴- زندگی سیاسی میرعلی شیرنوایی از بارتولد ترجمه میرحسین شاه ۴۵ صفحه ۱۳۴۶ ش.

۸۵- تیمورشاه درانی طبع دوم جلد اول از عزیزالدین ۱۳۴۶ ش.

۸۶- تیمورشاه درانی طبع دوم جلد دوم از عزیزالدین هر دو جلد ۷۲۷ صفحه ۱۳۴۶ ش.

## اساسنامه انجمن تاریخ

در سنه ۱۳۳۷ ش اساسنامه انجمن تاریخ افغانستان از طرف وزارت معارف ترتیب یافت و مجلس وزراء بموجب تصویب نمبر ۳۲۲ ر ۱۸ حمل ۱۳۳۷ آنرا پذیرفت که مشتمل بر ۱۱ ماده است. و همین تصویب مجلس عالی وزراء از صحه مبارک ذات همایونی نمبر ۵۰ ر ۶۹۵ ر ۲ حمل ۱۳۳۷ نیز گذشت که اینست عین متن آن:

**ماده اول** - انجمن تاریخ افغانستان بحیث یک موسسه تتبعات تاریخی شناخته میشود.

**ماده دوم** - مرکز انجمن تاریخ افغانستان شهر کابل است و هر وقت که زمینه و وسایل فراهم شود میتواند در سایر نقاط افغانستان هم شعباتی داشته باشد.

**ماده سوم** - مرام انجمن تاریخ تحقیق و تتبع در انکشاف مسایل تاریخی و ثقافتی و هنری قرار ذیل است:

الف - تدوین تاریخ یک دوره مکمل تاریخ افغانستان از قبل تاریخ تا امروز

ب - تتبع و تحقیق برای انکشاف مسایل تاریخی به مفهوم عام در زمینه های باستان شناسی و هنری، ادبی، جغرافیایی، ثقافتی و غیره.

ج - جمع و نشر اسناد، وثایق، مدارک و متون خطی و غیرخطی راجع بتمام دوره های تاریخ افغانستان.

د - شرح حال، سوانح و کارنامه های رجال.

ه - تحقیق در فولکلور و جمع آوری معلومات مربوطه به رسم و رواج و افسانه ها و داستان ها و ادبیات عامیانه.

و - قایم کردن روابط باموسسات فرهنگی و مراکز علمی.



ز: انتشارات نتایج تحقیقات و تتبعات بصورت نشریه های موقوتہ (مجله آریانا، مجله افغانستان) و نشریه های غیر موقوتہ (بصورت کتب و رسایل وغیره).

## ارکان انجمن

**ماده چهارم** - انجمن تاریخ دارای ارکان ذیل است:

الف: اعضای انتصابی و افتخاری.

ب: شورای انجمن.

**ماده پنجم** - تعداد اعضای انتصابی انجمن تاریخ (۱۰۰ نفر) و تعداد اعضای افتخاری محدود نیست. اعضای انتصابی و افتخاری انجمن از طرف شورای انجمن تعیین میشوند.

**ماده ششم** - شورای انجمن تاریخ مرکب از اشخاص ذیصلاحیت ذیل میباشد:

۱- وزیر معارف .

۲- وزیر اطلاعات و کلتور.

۳- معین تدریسی معارف.

۴- رئیس پوهنتون .

۵- رئیس انجمن تاریخ.

۶- دو نفر از اعضای افتخاری انجمن.

ب: وظایف شورای انجمن قرار ذیل است:

۱- اخذ تصمیم و فیصله های لازمه راجع به مسایل مسلکی داخل اساسنامه و امور مالی و تشکیلاتی و سایر مطالب کلی که به بهبودی جریان کارهای انجمن تأثیر مفید وارد کند.

۲- انتخاب رئیس انجمن تاریخ.

**تبصره:** بعد از انتخاب رئیس از طرف شورای انجمن منظوری و مقررری آن حسب قوانین مملکتی از

طرف وزیر معارف به مقامات صالحه پیش میشود. (۱)

۱- انتخاب اعضای افتخاری از میان دانشمندان متبع داخلی و خارجی.

**ماده هفتم** - اعضای انتصابی به شرایط ذیل انتخاب میشوند:

الف: - لیسانس از پوهنتون کابل و یا پوهنتون های خارج در رشته تاریخ، جغرافیه، ادبیات.

ب: ذوق و استعداد تحقیق و تتبع در مسایل تاریخی.

ج: - آشنایی به یکی از السنه خارجی و قوه استفاده از منابع و مآخذ خارجی.

تبصره: - اشخاصیکه لیسانس حقوق یا لیسانس تعلیم و تربیه و غیره را داشته در اثر ذوق و تمایل شخصی در تاریخ و ثقافت افغانستان به تتبعات و تحقیقات مثمري پرداخته باشند به عضویت انتصابی انجمن پذیرفته شده میتوانند.

ماده هشتم - برای انتخاب اعضای افتخاری تحصیلات عالی شرط نیست اعضای افتخاری از جمله اشخاص فهمیده و متبع که در تاریخ و ثقافت مملکت فعالیت علمی نموده باشند قرار حصه (۳) ماده (۶) انتخاب میشوند.

ماده نهم - انجمن تاریخ رییس افتخاری هم داشته میتواند و رییس افتخاری به اکثریت آراء از طرف اعضای انتصابی و افتخاری از میان اتباع افغانی برای چهار سال انتخاب شده میتواند و تجدید انتخاب آن به اتفاق آراء اعضای انتصابی و افتخاری مربوط است.

**ماده دهم** - انجمن از میان اعضای انتصابی خودیک نفر را بحیث منشی انتخاب و معرفی مینماید.

### مدارك مالي

**ماده یازدهم** - چون تتبعات انجمن تاریخ از نظر ارزش معنوی رسمی، ملی و جهانی بوده و به مفاد دولت و ملت و جهان علم تمام میشود، بنام کمک عرفانی از بودجه دولت و تبرعات و اعانات افراد و موسسات داخلی و خارجی مستفید میشود.

مآخذ

Aryana <sup>(١)</sup>

Pakthas <sup>(٢)</sup>

Rigveda <sup>(٣)</sup>

Puranas <sup>(٤)</sup>

Maha Bharata <sup>(٥)</sup>

Ramayana <sup>(٦)</sup>

Zand <sup>(٧)</sup>

Ashta-Adhyaya <sup>(٨)</sup>

Gaomatha <sup>(٩)</sup>

khwar zad <sup>(١٠)</sup>

katta <sup>(١١)</sup>

Mali <sup>(١٢)</sup>